

رهائی خلق

در مبارزه قهرآمیز است

محمدرضا شاه

کارگران و دهقانان و روشنفکران و مبارزان ملی و ضد استعماری ایران هر روز خیرهای وحشت آوری از زندانهای محمدرضا شاه میروند... چندین پیش سازمان توقان ضمن اعلامیای هشت اردیبهشت کورنیا...

اظهاریه رفیق مائوتسه دون

(صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین)

دو پشتمانی از مبارزه آفریقائیای آمریکائی نبرد مستقیم

نبرد سیاه از میان خواهد رفت... انقلاب جهانی در لحظه شونی بدورانی نوین و بزرگ کام نهاد است... مبارزه آفریقائیای آمریکائی برای رهایی خویشی عنصری از...

اخیرا پاستور افریقائی - آمریکائی، مارتین لوتر کینگ و بدست امیر... با ایستهای آمریکا و وحشیانه کشته شد... او هوادار مسالمت بود... اما امیر ایستهای آمریکا از او بگریزد...

گواهی بادیاد اونه زورگ

روز ۲ و ۳ ژوئن سال گذشته دانشجویان متفرقی آلمان به... منظوراً برای رفتن نسبت به دشمن خلق ایران محمدرضا شاه... که بمبمائی امیر ایلیسم آلمان فتنه بود در کنار دانشجویان...

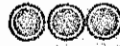
جنبش خرداد ۱۳۴۲

آمدند بطوریکه حتی در سگاه تبلیغاتی روز نیز گشتا و کوفتند... پوشاندن عظمت ما در نبود نتوانست تمدن اکتشاف و زخمیان شهر را... را نشانزد... خصومت نسبت به جنبش خرداد ۱۳۴۲ در آن بود که نودهای...

پنج سال پیش در چنین روزهایی خون سرخ میهن پرستان ایران... برچم انقلابی را بر سنگش خیا با نهایی تهران روی و شهید عزیز... شیراز و قم میگذاشت... در این باره و کارها اسیران که میهن ماست صدای...

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام

# دو خط مشی



استالین بزرگ از همان نخستین سالهای پس از انقلاب اشرار بود که در انقلاب بهر پیروزی سوسیالیستی در اتحاد شوروی حاکم می‌گردد، بلکه در مرحله جدیدی می‌شود و مرحله انقلاب در روسیای جهانی، بیشتر و نابود می‌شود. سوسیالیسم و پیروزی سوسیالیسم از طریق اتحاد انقلاب پرولتاریائی با جنبش آزاد بخش کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره - این به پیچیده یعنی "تازا شدن" انقلاب نیست و با این معنی نبود که باید بیدار نگه آزاره جنگ با این منظور نائل آمده یعنی صدور انقلاب هم نبود و نمیتوانست باشد زیرا اندکی پس از جنگ جهانی اول تأملاتی انقلاب در کشورهای در حال فروکش بود اما با این معنی بود که کمونیست‌ها باید سیاست خود را بر این خط مشی پایه بگذارند و فعالیت خود را بر این اساس سازمان دهند. شدت استالین نامزاتی که در راه جزئی‌گویی اتحاد شوروی قرار داد با این خط مشی انقلابی وفادار ماند. با امپریالیسم و ارتجاع پس از استحکام و قاطعیت مبارزه کرد. به توده های خلق در مبارزه شان علیه امپریالیسم و ارتجاع صمیمانه کمک رسانید.

در کشوره ۲۰ که مانند لکه سیاهی بر آمان جنبش کمونیستی باقی خواهد ماند و همزمان با حملات خائفانه حروصت با ستالین و این خط مشی انقلابی جای خود را بخت مشی ضد انقلابی و ایدئالیستی واقع داشت که مبتنی بر سه اصل همزیستی مسالمت آمیز، گذار مسالمت آمیز و سابقه مسالمت آمیز است. چنان که این خط مشی را میتوان بشیخ زیر خلاصه کرد:

با استفاده از برتری سیستم سوسیالیسم بر سیستم سرمایه داری و با تکیه بر سابقه مسالمت آمیز با امپریالیسم و پیروزی امپریالیسم امریکائی میتوان در فاصله زمانی کوتاهی سطح زندگی مردم شوروی را بپایه ایالات متحده رسانید و از او هم بالاتر برد و آنگاه توده های مردم در سراسر جهان بحاکمیت سوسیالیسم و بلزوم آن بی خواهند بود و برای استقرار آن خواهند کوشید. اما برای این باید هدف اتحاد شوروی صلح نیازمند است. بناچار لزوم حفظ صلح آزاره همزیستی مسالمت آمیز در رجه اول اهمیت قرار میگیرد. احزاب کمونیست میتوانند و باید توده های مردم را نه بخاطر انقلاب بلکه بخاطر حفظ صلح بسیج کنند، بخاطر حفظ صلح میتوان و باید از استقلال ملی و آزادی چشم پوشید، به سلطه امپریالیسم بر تنی از منطقه جهان تن در داد، در صورتی که منکفی و زجر و شکنجه کشید و عسبان نبرد. این است ماهیت خط مشی همزیستی مسالمت آمیز حروصت که ناسیونالیسم و شوینیسم ملت بزرگ از سر تا پای آن میزاید، این است خط مشی ایدئالیستی که مطلقاً واقعیت جهان را در نظر نمیگیرد.

حزب کمونیست اتحاد شوروی و در راه آن حروصت با تمام پوسائلو که در اختیار داشت کوشید این خط مشی ضد انقلابی را به تمام احزاب کمونیستی و کارگری بنامیه خط مشی جنبش کمونیستی بقبولاند، بعد از آنکه در ابتدا هنوز حوصلت ضد انقلابی این خط مشی و دامنه و اهمیت نتایج وخیم آن بر همه کس معلوم نبود مبارزه با آن آغاز کردید. غی این مبارزه احزاب وفادار مارکسیسم - لنینیسم و در رجه اول حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانیسی تمام کوشش خود را برای اصلاح این خط مشی به کار انداختند.

در جلسات مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری ۱۹۵۲ و ۱۹۶۰ آنها موفق شدند بسیاری از اصول انقلابی را در اعلامیه این جلسات بجای احکام ضد انقلابی بنشانند ولی حزب کمونیست اتحاد شوروی از خط مشی ضد انقلابی خود دست برنداشت و آنرا بصورت فشرده و کاملتر در برنامه خود منضم ساخت.

این خط مشی از همان آغاز پسند خاطر امپریالیسم و ارتجاع و پیروزی امپریالیسم امریکا افتاد. استراتژی جهانی امپریالیسم امریکائی و هدف را دنبال میکند. از یک طرف میگوید تمام دنیای امپریالیسم و دنیای سوسیالیسم را - اکنون که حل آن از طریق جنگ امکان پذیر نیست - آزاره "تکامل مسالمت آمیز" حل کند و با تکرار ساختن ماهیت کشورهای سوسیالیستی آنها را بتدریج در رجه کشورهای "دنیای آزاد" در آورده و از طرف دیگر از عرقله انقلاب در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره که با استقرار و آزادی آنها می‌تواند جلوگیری و سلطه خود را بر روی این کشورها همچنان حفظ کند. از این رو امپریالیسم امریکائی علاقه مند است نه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از یک جنبشهای

انقلابی منطقه توفانها اختراخ خویند مسیاست همزیستی مسالمت آمیز اتحاد شوروی با استقبال این دو هدف میشتابد. اتحاد شوروی با پیروی از این سیاست در دنبال عملگری با امپریالیسم امریکائیست برای اینکه با تفاق وی سلطه نفوذ خود را بر جهان بکشد کستراند و از پیروان انقلاب در کشورهای دیگر که ممکن است بزیر این عملگری تمام شود جلوگیری بعمل آورد.

برای صحت این امر باید کشته کرومیوگوزیر امور خارجه شوروی گوش فرادید: "ما (شوروی و امریکا) نیرومند ترین کشورهای جهانیم چنانچه ما بسود صلح متحد شویم و جنگی بوقوع نخواهد پیوست. اگر بدیوانه ای جنگ را آغاز کند گاهی است ما با انگشت خود وی را تهدید کنیم تا آرام شود. اگر قرارداد ای میان رئیس دولت شوروی و خروصت و رئیس جمهور امریکائی منعقد کرد، راه حلی برای مسایل بین المللی که سرخوشت بشریت بدان وابسته است پیدا خواهد شد". با صراحتی که در این گفته پادارفته هرگونه تفسیری زائد است.

انحدا سربین خط مشی در برابران ده همه شاهد زنده ان هستیم عبارت است از اتحاد با ارتجاع سیاه و در راه آن شاه علیسه خلق ایران و آرا پیشا افتادامات نواسمباری شاه برای منصرف ساختن توده های مردم از مبارزه با رژیم پهلوی و پشتیبانی از رژیم خونین کودتا برای آنکه امپریالیست ها (بهترین رژیم امپریالیسم ها) با فراغ خاطر تجارت ثروت کشورها و تاراج دسترنج خلق زحمتکش آن مشغول باشند و رویزین سیاستهای شوروی و دیگر کشورهای سابقا سوسیالیستی را نیز از این نمد نگذاری باشد.

همین خط مشی است که هم اکنون از طرف رویزین سیاستهای ایران در مقابل شوروی دنبال میشوند. تئوری "عقب نشینی" امکان بدست آوردن آزادی و دموکراسی در راه رژیم موجود است و "انقلاب با تاشاهانه" تئوری "تقدم صلح بر استقلال ملی و بنا بر این اساس اتحاد تاشیک راه مسالمت آمیز انقلاب" تئوری "تغلب استعمار و آزادی آزاره کمکهای اقتصادی شوروی و تئوری "ساختن سوسیالیسم با دست طبقات توشقوشرهای غیر از طبقه کارگر" و لابد با دست طبقات حاکمه (کوشی) و بنا بر اینها مظاهری از این خط مشی است به عور خلاصه خود مشی یعنی بر همزیستی مسالمت آمیز و "گذار مسالمت آمیز" و خط مشی استفاده انقلابی و ارتجاعی که پیچیده با واقعیت کوشی جامعه بشری و جامعه مارکس را زما بزویا و گوشه های آن نیروهای انقلابی با حاکمیت سرمای آزادی و استقلال ملی و سوسیالیسم می جنگند سازگار نیست. این خط مشی یعنی رویزین سیاست با امپریالیسم و ارتجاع است. مبارزان راه انقلاب بدت هاست آنرا حادتر ساخته و در افکند مانده.

در ۱۴ ژوئن ۱۹۶۳ یعنی درست در پنج سال پیش حزب کمونیست چین خط مشی جنبش کمونیستی و مسائل مربوط به آن را در سند مشتمل بر ۲ ماده تحت عنوان "پیشنهادهات در راه خط مشی جنبش کمونیستی جهانی" تدوین کرد. این خط مشی بد رستی یعنی بر دوشه اساسی زیراست:

۱) "مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی باید منعقد کنند و قوانین عاقتامل تاریخ جهانی باشد. مبارزه انقلابی پرولتاریا و دلخواهها مسائل مختلف از مراحل مختلفی میگذرد و دارای خصایصی است که مختصر بحدود آنهاست و ولی این مبارزه نمیتواند از اثره توانین عام قابل تاریخ جهانی خارج شود. مشی عمومی جنبش کمونیستی جهانی باید سمت اساسی مبارزه انقلابی را بر پروتاریا و ملل کشوره های مختلف نشان دهد".

۲) "تعمین خط مشی عمومی باید بر اساس واقعیت موجود در جهان باشد: از تحنیل طبقاتی تضاد های اساسی جهان کوشی ناشی شود و طبقه استراتژی جهانی ضد انقلابی امپریالیسم امریکائی شود و باشد".

واقعیت کوشی جهان بیش از هر موقع دیگر ساعد بحال مبارزه انقلابی است. دنیای سوسیالیسم از حد و بند کشور واحد فرارفته و اکنون یک رشته از کشورهای راد آسیا و اروپا و آمریکای لاتین در بر میگیرد. این کشورهای با سرعت رشد مییابند و هر روز نیروی بیشتری میگیرند. رشد نیروی مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی و مبارزه در آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع و یشتنیانی بی قید و شرط آنها از جنبشهای آزادی - یعنی منطقه توفانها این کشورهای بصورت یکی از وجریان بزرگ تاریخی عصر ما در میآورد که جریان دیگر آن جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک تحت سلطه توفانهاست. امواج مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و تکرار پست و فرمیه آن سراسر منطقه توفان هارا فرا گرفتار است و پیوسته امپریالیسم و پیروزی امپریالیسم امریکائیست مملتی و در میآورد.

وینام قهرمان در جبهه مقدم این مبارزه و الهام بخش و سرمنش در یکمبارزان انقلابی است. در کشورهای امپریالیستی مبارزه طبقه کارگر طبقه انحصارها شدت مییابد احزاب مارکسیستی - لنینیستی که بکناری در این کشورها پیدا آمده و رشد میکنند در پیشانی این مبارزه قرار گرفته و آنرا رهبری مییابند. در تاریخ هیچگاه مبارزه خلق با امپریالیسم و تکرار دست نشاندن آن باند از ازمبارزه آشفته در نبرده است، هیچگاه سطح آگاهی سیاسی توده های مردم در سطح کوشی قرار نداشته است. نیروی امپریالیسم و ارتجاع که دراز جنگ دوم جهانی تضعیف شد و بر اثر مبارزه خلقها دست خوش زلزله بیشتر و بیشتری میگردد.

امپریالیسم امریکائی سرگشته و نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی گرفتار تضاد های بسیاری است که هر روز نیروی آن را بیشتر تحلیل میبرد. باین ترتیب اوضاع واحواص جهان در مجموع خود بسود نیروهای انقلاب و بسود مبارزه انقلابی است. مشی عمومی جنبش کمونیستی که از طرف حزب کمونیست چین تدوین شده در انضباطی با واقعیت جهان و بر اساس تحلیل طبقاتی جامعه معاصر است.

این مشی عمومی عبارت است از اتحاد کشورهای سوسیالیستی و اتحاد پرولتاریهای همه کشورها و اتحاد همه پرولتاریهای جهان با خلقهای اسیر و محروم و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی با خطر پیروزی کامل انقلاب پرولتاریائی جهانی و ایجاد جهان نوین و جهانی بدون امپریالیسم و بدون سرمایهداری بدون استثمار.

این مشی عمومی عبارت است از مشی ایجاد جبهه واحد وسیع مبارزه علیه امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی که تحت سرکردگی ایالات متحده امریکائی هستند و هسته اساسی این جبهه ارب و ده سوسیالیستی پرولتاریائی جهانی است. این مشی عمومی عبارت است از مشی بسیج جسرانته توده ها و افزایش نیروهای انقلابی و جلب نیروهای بیانیینی و تفرد ساختن نیروهای ارتجاعی.

بر اساس این مشی عمومی احزاب مارکسیستی - لنینیستی مشی و سیاست مشخص خود را تنظیم مییابند و "هنکا تنظیم مشی و سیاست مشخص برای کشورهای خود مراعات اصل در آمیختن حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم را با واقعیت مشخص انقلاب و ساختن در کشورهای خود از ضرورت و زمینه ارند". از این رو طبقه حزب پرولتاری آنست که بر پایه تئوری مارکسیسم - لنینیسم و شرایط تاریخی مشخص کشور خود را بررسی کند و استراتژی و تاکتیک صحیح و مناسبی برگزیند و توده های مردم را بسوی انقلاب رهنمون کرد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان بر اساس این مشی عمومی و بررسی جامعه ایران، مشی خود را در سندی تحت عنوان "وظائف و مبرم و فوری مارکسیست - لنینیستهای ایران" تعیین کرده است. این مشی را میتوان چنین خلاصه کرد: اتحاد طبقه کارگر ایران با توده های دهقانی و بر اساس این اتحاد تشکیل جبهه وسیع مردمی در تاشیک ملی رهبری طبقه کارگر علیه حکومت ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران بسپردگی شاه و علیه حامیان امپریالیست آن و بد اطراف استقرار حکومت دموکراسی نوین و پیشرفت بسوی سوسیالیسم.

پیروی از این مشی فقط در صورتی ممکن است که حزب مارکسیستی - لنینیستی طبقه کارگر در صحنه ایران بر جود آید و بدون چنین حزبی این خط مشی همچنان نیروی کاذب باقی میماند. از این رو است که سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان در درجه اول وظیفه مبرم و فوری احیاء حزب طبقه کارگر ایران را در برابر خویشتر گردانده و انجام آرا و جبهه همت خویش قرار داده است.

# در منطقه توفان ها

## جنگ پارتیزانی در ونزوئلا

در روزهای آغازین جنگ، دو جریبان شدیداً درگیر هم شدند. از یک سو پارتیزانهای رژیم نو استعماری ونزوئلا و از سوی دیگر ارتش و پلیس نظامی و امنیتی آنجا. واز سوی دیگر مبارزه مسلحانه انقلابیون.

رتیس جمهور ونزوئلا لستونسی که متوجه بود که لوکری از انقلاب خلق و تکدی اوری نظامات عدلی و حقوق موضوعه امپریالیسم آمریکا (مانند محامه رضاشاه) با اصلاحات سطحی نو استعماری دست زده اخیراً عدلهای از سران حزب کمونیست (روزیونیست) ونزوئلا و از آن جمله دیوید آل ترا از زندان آزاد ساختند تا آنان نیز در صحنه سازی انتخاباتی او شرکت جویند و در فریب دادن توده های پارتیزان در هند. در همین حال رژیم لئوننی حملات سبعانه خود را بر علیه پارتیزانهای ونزوئلا تشدید کرد.

## مبارزه انقلابی در گواتمالا

اخباریکه از گواتمالا (در آمریکا مرکزی) می رسد بسیار امیدبخش است. اخبار که در حاکمیت ارتش روز افزون مبارزه انقلابی خلق بر ضد امپریالیسم و چاکران اوست. اخبار که در همین نشان میدهد که این امر افاش شدن سیاست تسلیم طلبانه ریزونیستیهای گواتمالا و انقراض آنها همراه است. در این کشور نیز مانند ونزوئلا، کمپنها و بولیوی، برزیل و غیره ریزونیستیها از خلق زحمتکش مبارز جدی ماندند و بد ریزکی یا رلمانا ترسیم بورژوازی رفتند. بالتجربه نیروهای انقلاب مسلح گواتمالا با حزب ریزونیستی گواتمالا قطع رابطه کرده اند. فرماندهان و نیروهای انقلابی مسلح گواتمالا سسزاور سوسنسنس در اظهارات یکدیگر بیان ماه فوریه باین مناسبت منتشر ساخت میگوید: ریزونیستیها "باین امر که خلق میتواند قدرت را بدست آورد اعتقاد ندارند، جلوشانند که بورژوازی میتواند رژیم دیکتاتوریک سر را بدست آورد و ولتی را که بر چه سلامت آسود آرام آرام بوسیله ایسم تحویل میدهد و دیگری کند. از جنگ میترسند و با انگال پیروزی در سنگ اعتقاد ندارند. اینها توجیح میدهند که آنقدر سسته های مختلف بورژوازی در مقابل خود جایجا شوند که ریزونیستیها بتوانند با آنها سازشی منی بر شرکت (در حکومت) نائل آیند". سسزاور سسزاور یاد آور میشود که مارکس و لنین در زمان خویش از اپورتونیستیها بریدند و چنین نتیجه میگرد: "وقتی که انقلاب باقی بماند مراحل خود میبرد و ریزونیست که خود را از افراد گروه ها و جریاناتی که از مقابله با مبارزه سخت عاجزند و میخواستند از پیشرفت انقلاب جلوگیری کنند، برهانند". موی همچنین متذکر میگردد که در لحظه ایگات انقلابیون گواتمالا و از آن جمله اعضا حزب در ریزونیکجه پلیس بودند و کمتر میشدند و همبران ریزونیست گواتمالا دست و پا میکردند که میان گواتمالا و اتحاد شوروی روابط را برقرار کنند. بنا بر تصریح سسزاور سسزاور، اینک نیروهای انقلابی گواتمالا پس از طرف عناصر ریزونیکسیست بیکانه در رکورد فرماندهی یگانهای وحشی یافتند و ایمان کامل بهمیروزی نهائی بر امپریالیستها دارند.

ما امید داریم که خلق گواتمالا نیز مانند خلق شمشیه، پرو و بولیوی و سن در مینیک و غیره بتواند هر چه زود در ترازون پیروزی نهائی خویش یعنی حزب انقلابی واقعا مارکسیستی - لنینیستی خویش را بسازد.

## در جبهه نیروی خلق های عرب

پس از زبرد کسره کفد اثیان فلسطینی ضربه سختی بر ارتش تجاوز اسرائیل وارد ساختند. لیچاوم فرمانده سازمان نظامی الفتح در حاصبه با مشیرالاهرام چنین اظهار داشت: "مبارزه مردم فلسطین بر علیه اسرائیل در طی جنگ تودای ی همگانی گسترش خواهد یافت. پارتیزانهای الفتح در تبرید اخیر در کربه در برابر ۱۰۰۰ اسرائیلی تجاوزکار قهرمانی بزرگی نشان دادند".

این نظریه کاملاً درستی است که از واقعیت اوضاع حاور ما منسرب چشمه میگیرد. دولت اسرائیل که ساخته و پرداخته امپریالیستها، خلقهای عرب را مورد تجاوز قرار داده و دهها هزار فلسطینی را از میهن خویش اواره ساخته است. حقایق خلقهای عرب با آنها پیوسته شکست ناپذیر میباشند. خلقهای عرب روز بروز بیشتر باین حقیقت پی میروند که در برابر امپریالیسم بیرحمی که مطلق دیکری جز زور ندارد حقایق را فقط با زور میتوان برگرداند. نشانید که گمانیکه خلقهای عرب را به بن بست انتظار بگذارند. میگویند و واقع با سراسر اسیا و با امپریالیسم خدمت میکنند. پارتیزانهای عرب بدین دریاها تا کنونی و واقعی در جانب آنهاست. در جانب سلاحها مدبرن سراسریی ها امروز همه میبینند که بزرگترین نیروی نظامی جهان امپریالیستی با تمام اسلحه آخرین سیستم خود در برابر پارتیزانهای ویشام جنوبی بزور آمده است. این نمونه انبام بخش بزرگی براد عمه خلقها از آنجمله خلقهای عرب است. هم اکنون ضرباتیکه در راه هاد اخیراً بطریق قذ اثیان فلسطینی بر ارتش اسرائیل تیل وارد آمده از لحاظ قدرت و تاثیر خود متجاوزان اسرائیلی را در جزئی و خشت هم برده است. بدین ترتیب این ضیبات همروز نیرومند تر و در اندر خواهد شد و روزی لشکراوزکاران اسرائیلی با در جنایات خود برسد در نیست.

پیروزیها مبارزه مسلحانه خلقهای عرب بر ضد اسرائیلی و پشتیبانان امپریالیست او.

کرد است. در راه پارتیزانها دو کلاس سراسر اولیون بیتسکوف قرار دارند که دو سال پیش از حزب کمونیست (روزیونیست) اخراج شدند.

اینک سران آزاد شده حزب کمونیست (روزیونیست) ونزوئلا اقدامات خود را در دعوت مردم ب شرکت در انتخابات در زمین لئوننی (از نوع انتخابات معد رضاشاه) در برابر او انجام واقفرا بسران نهضت پارتیزانی ونزوئلا آغاز کرده اند. آنها از نتایج این نهضت خنجر میزند. ولی تجربه چند ساله نشان داده است که نهضت پارتیزانی ونزوئلا علی رغم ضعفها و اشتباهاتش ولی رغم خیانتهای ریزونیستیها میتواند روز بروز گسترش یابد و خلق را بسرنزول نجات و همون شود.

## پرچم سرخ برفراز کوههای پویان (تایلند)

بدریج تضعیف و قدرت خویش را بتدریج افزون سازد. و بدین ترتیب از ریزونیستیهای کوچک به پیروزیهای بزرگ نائل آید. ارتش توده ای بطور کلی باین برتسب جانشینت در این دوره جنگ پارتیزانی نائل شده است. در "دشمن حمله میکند" ماعقب میشینیم و دشمن توکف مینماید" مایه ایذا و امید آرزیم "دشمن فرسوده میشود" ما بحله دست میزنیم و دشمن میگریزد ما او را تحقیر میکنیم".

در زمان کونی خلق در لا روتی نام بیش از یانصد هزار سپاهی امریکاری را در تنگنا قرار داده و تاکنون بیش از سیصد هزار نفر تجاوز امریکائی و دست نشاندهانشرا از کار انداخته است. ضرباتیکه در حلقه تصرفی اخیر خلق و ارتش ویشام به متجاوزین وارد آمده بینهایت توان فرماییده است. همچنین ارتش میهن برست لائو با مریکائیان و دست نشاندهانشان ضربات نیرومندی وارد میاورند. آتش انقلاب در تایلند نیز هر روز زبانه بیشتری میگیرد. خلقها بسیاری از نواحی آسیا نیز مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهانشان میروند. امپریالیسم آمریکا گنجینه های خود را بهمه جا دراز کرده تاگزیر بکنار عمل را در برابر خلقهای جنوب شرق آسیا از دست داده است. بطوریکه دیکر از این اوضاع و احوال بر نمینماید. چنانچه خلقهای تمام آن کشورهاییکه تحت استبداد متجاوزین امریکانری میروند با یکدیگر متحد باشند، به میدان جنگ تودای در کشور خود در آیند، اعمال خود را با یکدیگر بر منطبق سازند و بیکدیگر کمک رسانند، میتوانند با امپریالیسم و باز هیولا ضربه زنند، او را قطعه قطعه سازند، یک بر سر او ضربه میزند و دیگری پای او را میبرد.

مبارزه مسلحانه خلق تایلند نیز تحت رهبری حزب کمونیست به پیروزی نام خواهد گراید. خلق تایلند با وجود تمام مصائب و دشواریهاییکه در راه انقلابش قرار دارد، سرانجام امپریالیسم امریکائی و مرتجعین داخلی را سرکوب خواهد کرد. بشرط آنکه پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم و آرزوس مائوتسه درون را افرشته نگاه دارد. بدین توده ای طولانی ادامه دهد. پیروزی نهائی خلق قهرمان تایلند حتمی است. زیرا او را راه جنگ توده ای طولانی بصم است.

تلخیص از روزنامه ژین مین ویشاو

### منطقه توفانها

مناطق پهناور آسیا و آمریکا و ایالاتین مناطقی هستند که در آنها تضاد های کونا کون جهان کنونی تیزتر یافته و با نتیجه ضعیف ترین حلقه تسلط امپریالیسم و منطقه عده توفان های انقلاب جهانی را تشکیل میدهند که ضربات مستقیم بر امپریالیسم وارد میآورد.

جنبشهای انقلابی دموکراتیک در این مناطق در جنبش جهانی انقلاب سوسیالیستی و در جریان عظیم تاریخی عصماست.

انقلاب ملی دموکراتیک در این مناطق بخش مهم و بیافک انقلاب جهانی پولترائی عصماست.

از سده ۲۰ مادی پیشینهای حزب کمونیست چین در راه شن عرومی جنبش جهانی کمونیستی

نسم خلقی سیاه پرچمهای سرخی را که برفراز جبال پوسپان افرشته کرده اند بحرکت در میاورند. وضع کونی مبارزه مسلحانه خلق تایلند در تحت رهبری حزب کمونیست این کشور قرار دارد بسیار مساعد است و هر روز مساعدتر میشود.

بیش از دو سال پیش اولین جرقه مبارزات مسلحانه انقلابی خلق تایلند بتجلی درآمد. از آن هنگام تا کنون آتش انقلاب با سرعت زیادی در تمام جهات بسط مییابد. اکنون آتش مبارزات مسلحانه انقلابی در ۲۹ ایالت از ۶۱ ایالت کشور درگیر شده است.

هر روز ارتش توده های خلق تایلند ابتدار عمل بیشتری به دست میآورد. در این مدت بیش از دو سال هشتصد مصای صورت گرفته و در حین آن تقریباً ۲۰۰۰ نفر از سپاهیان دشمن از ارتقا مانده.

علاوه بر این وسیع موقعتی انقلابی در تایلند را با پیوستن پنهانی در آن جسته که حزب کمونیست تایلند پرچم مارکسیسم - لنینیسم و آرزوس مائوتسه درون را برافراشته است، بر آنست که شهرها را از طریق درها محاصره نماید، قدرت سیاسی را با کمک اسلحه بدست آورد و استرا تژی و تاکتیک رفیق مائوتسه درون را ب مورد جنگ پارتیزانی بسا انطباق با شرایط ویژه تایلند بکاربرد.

رفیق مائوتسه درون بیا آموخته است که "نیروی عده جنگ در توده های مردم نهفته است".

حزب کمونیست تایلند از همان روز نخست به بسج روستائیان را بر داخت و در آن راه روشید که مبارزه ملحاته را در روستا آغاز کند و حزب کمونیست نیروهای مسلح دارگران و گروههای تبلیغاتی خود را بر حصره روستاها فرستاد که بکار تبلیغاتی و تسلیم توده ها ببردند و برای آنان روشن سازند که تجاوز امپریالیسم امریکائی و جنایات ارتجاع داخلی تا چه حد وحشیانه است. گروههای تبلیغاتی مذکور روستائیان را برای اخراج جاسوسان و اربابان آزاده و مجازات آنان بحرکت در میاورند و در آن نقاطیکه موقعت آماده است پایگاه های انقلابی بر میسازند. اکنون روستائیان در بسیاری از نقاط شمالی و جنوبی بسج گردیده اند. ارتش توده های با آلتا بنیروی توده ها در هر لحظه میتواند اطلاعات لازم را بدست آورد و در حال آزادی بحرکت در آید. مرتجعین امریکائی و تایلندی تا کنون به "محاصره عا" و "تصفیه های" کونا کونی دست زده و بوحشیانه ترین تاکتیک های جنگ متوسن گردیده اند تا بتوانند مبارزات مسلحانه را سرکوب کنند. ولی ارتش توده ای تنها نابود نمیدهد بلکه روز بروز پیروزیهای جدیدی نائل آمده است.

... بلکه رفیق مائوتسه درون "سپاهیان ارتش توده های پارتیزانی برانند" شونند برای آنکه توده ها را بجنبش وارد کنند و مجتمع شوند برای آنکه با دشمن مواجه گردند. "ارتش تودای تایلند نیز تیزتر خود را برابری تشکیل ساختن توده ها وسیع آنها در روستاها پراکنده میسازد و بسج آنها برای محاصره دشمن و برای حمله بسا کوهها و انفجار اسلحه مثل نظیه آنها مجتمع میگرداند. تمام این اعمال با چنان تحرك و عشیاری انجام میگیرد که دشمن هیچگاه نمیتواند جلوی و تابع غیر مشروطه را بگیرد. ارتش توده ای میتواند در هر زبیر مشخص عمداً بیشتر سپاهی جمع کند و بدین ترتیب بدشمنی که در مجموع بسیار نیرومند تر از اوست ضربات جدا قسمتی وارد آورد. نیروی دشمن را

حد و نجاه همین سالگرد شکوفه ولادت

# کارل مارکس

صد و پنجاه سال از ولادت کارل مارکس، نابغه بزرگی که باید تئورولوژی انقلابی پرولتری از او و فریدریش انگلس سرچشمه گرفته است میگذرد. مشهورترین نشانه عظمت مارکس پیروزیهای عظیمی است که در عرصه جهان در زیر پرچمی که او افراشت نصب طبقه کارگر و خلقهای جهان شده و میشود.

جایگاه سترگین سالگرد پرشکوهِ سخنانی از لنین را در باره مارکس نقل میکنیم:

"مطلب عمده در آموزش مارکس توضیح چگونگی نقش جهانی و تاریخی پرولتاریا به مثابه ایجاد کننده جامعه سوسیالیستی است." "پیش از آموزش مارکس خصوصیت و کینه عظیم تمام علم بورژوازی (چه فرمال و چه غیرال) را که مارکسیسم به مثابه چیزی سیمبلیک "طبیقت ضاله" مینگرد در تمام جهان تمدن علیه خود برمیانگیزد. روشن نگری هم نمیتوان انتظار داشت. زیرا که در جامعه ای که بنای آن بر مبارزه طبقاتی گذاشته شده است هیچ علم اجتماعی "پسی غرضی" نمیتواند وجود داشته باشد و بهتر است در تمام علم فرمایشی و لیبرال مدافع بردگی مزد ورست و مارکسیسم علیه این بردگی و جنس بی امانی را اعلام نموده است. انتظار اینکه در جامعه بردگی مزدوری علم بیغرض وجود داشته باشد ساده لوحی سفیهانه و در حکم این است که در مسئله مربوط به افزایش دست مزد کارگران و تقلیل سود سرمایه که از کارخانه داران انتظار بیغرضی داشته باشیم ولی مطلب باین جا خاتمه نمیدهد. تاریخ فلسفه و تاریخ علم اجتماع با صراحت تمام نشان میدهد که در مارکسیسم چیزی شبیه به "اصول طبیعی" بمفهوم یک آموزش محدود و خشک و جامدی که دور از شاهراه تکامل تمدن جهانی بوجود آمده باشد نیست. برعکس تمام نبوغ مارکس همانا در این است که پیرشدهای پاسخ میدهد که فلسفه پیشرویشرا آناطرح کرده است."

## وظائف حزب

حزب طبقه کارگر باید بطور مستقل برنامه ای اعلام کند حتی از نبرد بیکیفر طبقه امپریالیسم و ارتجاع داخلی و مبارزه در راه استقلال ملی و موکراسی توده های و حزب باید در میان توده ها مستقلا فعالیت کند. نیروهای شرقی را پیوسته افزایش دهد نیروهای بنیادینی را بسوی خود جلب نماید؛ نیروهای ارتجاعی را مغرور سازد. فقط از این راه حزب میتواند انقلاب ملی و موکراتیک را تا پایان دنبال کند و آنرا در راه سوسیالیسم سوق دهد.

از سنده ۲۰ ماده ای پیشنهادی حزب کونیست چین در باره روشی عمومی جنبش جهانی کونیستی

انفاده چند مغایرت غارت و چند اتوبیل را واژگون کردند. "مجله شوروی بنام "صهرودید" اینطور بیک شاه آمد: "خیمی و دست یارانش ... مؤمنان را بر علیه دولت برانگیخته ... اصلاحات اجتماعی را که اخیرا اعلام شده است و مخصوصا اکتاف حقوق ششای بزنان را بهانه کردند. در اثر تبلیغات آنها اشخاصی که از تعصب کور شده اند بخوابان ریختند. کسی که در مقاله عنصردید به عنوان برانگیخته "تمصبات کور" و مخالف "اصلاحات اجتماعی" معرفی شده همان است که امروز روزیو نیستیهای ایرا از او بخوان "آیت الله آقای خمینی" یاد میکنند و در انتشار اعلامیه های او بر دیگران پیشی میجویند. آن روز روزیو نیستی ایران بدنیال بد آموزان شوروی خود بجای آنکه ماهیت امر و جنبه طبقاتی جنبش را ملک قرار دهند رنگ مذهبی برخی از تطاهرات را پایه قضاوت قرار داده نتیجه گرفتند که "چهل مردم یکی از عوامل این حادثه بوده است" و "مشخصه این جریان آتش زدن کیوسکا بوده است". اتهام ارتجاع و امپریالیسم و روزیو نیسم برجینش خورد اما از نزع همان اتهاماتی بود که امروز سیاهترین نیروهای ارتجاعی برجینش سیاهان امریکا و حتی برجینش دانشجویان آلمان وار در مسازند. عده ای از روحانیین تهران در اعلامیه خود بدستی متذکر شدند که "اگر است باشد در عبادت اخیر کابخانه سوخته باشد ... شایخانه کسی آتش میزند که چتریاز و سرباز بد اشتگاه میفرستد و تا میخواند و خراب میکند و سرمایه های علس را نابود مینماید و استادان و دانشجویان را بزندان میفرستد و شکنجه میدهد."

هنوز انعکاس صدای گلوله های ملک تن محمد رضاشاه در فضای ایران خاموش نشده بود که سفر "حسن نیت" روزیو نیستیهای شوروی در سهجانی وزارت خارجه ایران با کارگردانان رژیم ایران جا بزد و مستانه سلامت "اعلیحضرت شاهنشاه رئیس مملکت ایران" را آرزو کرد. و ماه بعد به موجب قرارداد "همکاری فنی و اقتصادی" مبلغ ۲۷۰ میلیون تومان دولت محمد رضاشاه وام و اعتبار داد.

ازواشکنن نامشو همه جا بر تجمان و امپریالیستهای روزیو نیستیها بدینفورزی با جنبش خود اما میر خاستند و دست در تخیم ایران را صمیمانه فشردند: و خلق ایران همه آنها را به مثابه دشمنان خویش باز شناخت.

جنبش خود را ماه از جهت نقایص خود نیز برای مبارزان راه موکراسی و سوسیالیسم حاوی درسهای گران بهایی است. این جنبش رهبری نداشت و با دهقانان در پیوند نبود. این جنبش فقط در شهرها که محل تمرکز قوای دشمن است برپا شد و از این جهت در ضررات تمرکز دشمن قرار گرفت و بدون آنکه بتواند از نیروی عظیم دهقانان مدد بگیرد. این جنبش بار دیگر حکم مارکسیستی - لنینیستی را نقاد کرد که بدون حزب طبقه کارگر که رهبری مبارزه را در دست گیرد، پیوند طبقه کارگر با سایر زحمتشان و با جنبه طبقات و قشرهای موکراتیک و پیوند با دهقانان برقرار نشد و استحکام بخشد. بر اساس مبارزات قهرآمیز خود با یگانهای انقلابی در روسیا بوجود آورد، نهضت را از پیچ و خمها بگذراند و از هرگونه سستی و تسلیم طلبی محفوظ نگه دارد که تحقق آمال خلق ایران در سرنگونی رژیم کودتا و ریشه کن ساختن آن غیر ممکن است.

خطره جنبش خود را ماه را کرامی بداریم.

از جنبش خود را ماه به پاموزیم.

در راه احیا "حزب طبقه کارگر در صحنه ایران همیشه رویم.

"علت قدرت بی انتهای آموزش مارکس در دسترس آن است. این آموزش کامل و موزون بوده و جهان بینی جامعی با افراد میدهد که با هیچ خرافاتی، با هیچ ارتجاعی و با هیچ حمایتی از ستم بورژوازی آشتی پذیر نیست."

"فلسفه مارکس یک ماتریالیسم فلسفی تشکیل شده است که سلاح مکتد و معرفت را در اختیار بشر و بخصوص در اختیار طبقه کارگر گذارده است."

"مارکس سیر نظامی سرمایه داری را از اولین نقطه های اقتصاد کالایی و از مبادله ساده گرفته تا بالاترین شکلهای آن یعنی تولید بزرگ مورد پژوهش قرار داده است و تجربه گلیه کشورهای سرمایه داری را هم از کشورهای قدیم و جدید، صحت این آموزش در مارکس را سال بسال عمده زیادتیری از کارگران آشنا را نشان میدهد سرمایه داری در سرتاسر جهان پیروز شد. ولی این پیروزی فقط پیش در راه پیروزی کار بر سرمایه است."

"نبوغ مارکس در این است که او اولین کسی بود که توانست نتیجه های را بدست آورد که تاریخ جهان آنها میاموزد و توانست این نتیجه را بطوری پیگیر تمقیب کند. این نتیجه آموزش مربوط به پیروزی طبقاتی است ... برای درهم شکستن بنات و این طبقات طبقات فرمانروا - توفان فقط یک وسیله وجود دارد: باید در همان جامعه ای که ما را احاطه نموده است آن نیروهای را پیدا کرد و برای مبارزه تربیت کرد و سازمان داد که میتواند و بر حسب موقعیت اجتماعی خود باید - نیروی را تشکیل دهد که قادر باشد ادم کهن و آوردن نباشد. فقط ماتریالیسم فلسفی مارکس بود که راه پیروز آمدن از بردگی معنوی را که تمام طبقات ستم دیده تاکنون در آن سرگردان بودند به پرولتاریا نشان داد. فقط تئوری اقتصادی مارکس بود که وضعیت واقعی پرولتاریا را در نظام عمومی سرمایه داری تشریح کرد."

"پرولتاریا در جریان مبارزه طبقاتی خود پرورش یافته و آگاه می شود. از موهومات جامعه بورژوازی آزاد میگردد و پیش از پیچ بهم پیوسته میخورد. و میآموزد که چگونه در پیه موقعیتهای خود را مورد سنجش قرار دهد؛ نیروهای خود را آبدیده میکند و بطور مقاومت ناپذیری رشد و نمو مییابد."

## رسالت تاریخی

در برابری و خلقهای ستم دیده آسیا، آفریقا و امریکا لاتین وظیفه مردم مبارزه علیه امپریالیسم و ستمگران آن قرار دارد.

تاریخ با جزایر پرولتری این مناطق رسالت پرافتخاری را محول کرده است و آن اینکه پرچم مبارزه علیه امپریالیسم علیه استعمار و یوگنیت پرچم استقلال ملی و موکراسی توده ای را افراشته نگاه دارند در نخستین صفوی جنبش انقلابی ملی و موکراتیک جای گیرند و بخاطر ایند سوسیالیستی مبارزه نمایند

از سنده ۲۰ ماده ای پیشنهادی حزب کونیست چین در باره روشی عمومی جنبش جهانی کونیستی

و هاشی خلق در ... بقیه از ص ۱۰ را که افشاند روزیو نیستیها است ریشه کن سازند و توده هارا با اعمال قهر انقلابی رهبری کنند. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان که در راه احیا "حزب طبقه کارگر ایران" در عرصه کمونیست هدهش سرنگون ساختن رژیم کودتا از طریق قهر آمیز است از طریق انقلاب مسلح دهفانی بهره روری طبقه کارگر و رودت با کلبه نیروهای ملی وفد امپریالیستی ایران در روز بزندان سیاسی کتنام مبارزان خلق را بلند نگه داشته اند! پیروزیاد مبارزه خلق ایران در راه سرنگونی قهرآمیز رژیم ضد ملی و ضد موکراتیک محمد رضاشاه!

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان  
۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۷

## یک عموای روزیو نیستی

یکی از روزیو نیستیها چنین فتوا داده است:

"در دوران معاصر ... منظره اقتصادی جهان سرمایه داری بطور جدی تغییر یافته است. برای کشورهای صاحب ستم سره مستعمره و نیمه مستعمره های سابق در اقتصاد سرمایه داری دوگروه کشور بوجود آمده اند که گروه نخست دولتهای امپریالیستی هستند که با همه وسائل سعی دارند مستعمرات سابق را کماکان در منطف نفوذ سیاسی و اقتصادی خود حفظ کنند. گروه دوم کشورهای در حال رشد اند که سعی دارند به استقلال خود تحکیم بخشدند و با استقلال اقتصادی از امپریالیسم نائل آیند."

مجله دنیاشماره ۳ سال ۱۳۴۶ صفحه ۱۱۵

مطلب این فتوای روزیو نیستیست که در جهان امروز نه کشور صاحب ستم سره وجود دارد نه کشور مستعمره و نه کشور نیمه مستعمره. اینها مغالطی است مربوط به دوران سابق.

آیا بهتر از این هم میشود امپریالیسم را آرایش داد؟ آیا بیشتر از این هم میتوان بمارکسیسم خیانت کرد؟

### سخن دانشجویان

شرح زیرین خلاصه نامه‌ایست که از طرف دانشجویان دانشجویدان ایرانی خطاب به سرپرست پد ایران در آنروز نوشته شده و روزنامه نشان برای روزنامه نشان فرستاده شده است.

#### آقای افشار

شاید بهتر بود که این چند روزی را بشکلی یکنا همسرکشان و خطاب به شما بجا بچیرساندیم ولی از آنجا که اکنون به هیچیک از نامه‌های سر- کتار و پاسخی در دسترس ما می‌رسد ما نمی‌توانیم جواب‌دهی در آنجا بکنیم. شاید از آنجا که شما از ما زمانه‌ای انتظار دارید ما نمی‌توانیم به این جهت بخاطر روشن نمودن افکار هموطنان، شما را بعنوان سفید مخاطب قرار دهیم.

#### آقای افشار

... دوره سفارت انابکی چون لکننگی است که هرگز از این نخواهد رفت. در این دوره دفاع از زبان و پیا و کوشان بد کارها و - خورده های تحصیلی و جمع آوری آنان بصورت پاره‌های طرفدار است و نیز زدی از دوره سفارت، قروض سنگین بیانگهای اتریتر و از همه پیشروان طرفدار و فحشا سکراچ بود ...

در زمان انابکی محلی بنام "خانها ایران" از طرف سازمان امنیت با بودجه ۳۰ هزار تومان در ماه رویت تاسیس شد. این دکان که شاید صد گناهی از روش همدانست و محتوی آن مجموعه‌اشامل مقدار کمی ورق پاره‌های تبلیغاتی درجه سه میشد و سیله‌های کردید که مسئول آن در خانه بود و با رویت زدی زیاد و توپیل آخر مدله امرونی شهر پرین را ترک کردید ...

در زدی شهر انابکی را از محل سابق سفارت ایران در بین همه میدانست

این مغربه که به حق میشد آنرا طریقه نامید. از قرار ماهی ۲۵ هزار شلینگ اجاره شده و گویا اجاره و سال آن از قبل پرداخت شده است و حال که سفارت آن محل را ترک نموده و پرورده بد کاره رفعت روشن است که سفارت نمیتواند مبلغ ۶۰۰ هزار شلینگ مال الاجاره را از صاحبخانه پس بگیرد زیرا که حتما تمام این پول به صاحبخانه پرداخت شده و لااقل نیمی از آن بکس دیگری رفته است.

سازمان امنیت همیشه ناظر و شریک امور سفارت بوده و آنرا کنترل مینموده است ...

#### آقای افشار

لا بد برای شما نیز این سؤال مطرح شده است که چرا اکثریت دانشجو مخالف حکومتی کشما نمایندی آنرا دارند هستند؟ در ضمن اینکه در لندن خونریزی شده و در سفارت طواغیت می‌کنند. باید گفت که این در لندن کردن امری عبت است. فی النثل اگر خواهیم تحقیقی کوتاه

در مورد افرادی که به پیشوا شاه رفتند بنما کنیم اول باید آن‌ها را نمایندگان مردم که هیچگونه موافقتی با شاه و حکومت او ندارند و فقط در ایشور و وحشتی که نگران سعادت در آنان ایجاد نمودند بنده پیشوا رفتند و پس از آن فقط ... ارفاقل و چاقو کشا بود و زمان می‌ماند و پس ...

اما اینکه چرا اغلب دانشجویان مخالف دستکاه می‌باشند. شما خود خوب میدانید اکثریت مردم کشوری که شما از آن می‌آید در فقر و فاقه بسر می‌برند. مقرر بیسوادی و کرسنکی امری عا در غلظت میشود. نان در همان خوزستانی از آنرا هستند و در آنجا و در آنجا جنگلی است. دانشجو باید که معرفت انسانی آنان در چارنده‌های چرکین و کبیر خود خواهد بود و پس نشسته است باین وضع اعتراض دارند.

در ایران این آزادی وجود دارد که از اوضاع تحسین شود و لاخیر کند و زنجیر و شکنجه‌های "ساواک" در انتظار چشم واقع بین و زبان حق گوشت. مردم حتی باید بزور باسی مثل ۲۸ مرد اردو و آن روزهای تنگین نظیر جاشن بگیرند و ظاهرش را در شان خود دهند. بد اینها حتی اجازه مسرت هم داده نمیشود. شافنا جگر از میکند پول ملیونها عموطن کرسنه را فدای این چون تجمل پرستی خود مینماید در حالیکه رهمن جنوبی بهران کونان معصوم وطن ما آواره و سرگردان، مریض و گریانند. بیماران در پشت در بیمارستانهای دولتی صفوف طولی را تشکیل میدهند.

برای بعضیها در کاخ اختصاصی مدرسه ساخته میشود ولی پشت در دانشگاهها هزاران انسان با انتظار ایستاده‌اند.

مفارج نظامی قست اعظم بود چه ضعیف مارا بیلعد در حالیکه بود جعفر هتک ۷۰ درصد بود چه شد. درصد از بود چه کل می‌باشد.

احزاب رنگارنگ شما خورشها هنوز مانند علف هرزه سبز میشوند که چیزی جز رنگهای کارچاقی نیستند. در حالیکه زندانیهای سیاسی ایران بر اینترین فرزندان وطن باست.

اینها از طرف کشما یک بار گفته‌اید منصفی باقی نیست بلکه واقعیت عزیزان است.

بالا رفتن چند ساختمان در طبقه پایتخت آن هم از محل زدی مال ملت دلیل پیشرفت یک کشور نیست. آیاملت ایران تقطنا بیاسلط و ونیجسد کم داشت؟ و حال دیگر همه چیز تکمیل شده است؟ اگر شما بدون اینکه تحت تاثیر سازمان امنیت قرار بگیرید و اکثریت بار و فطرتی بار بتوانید آزادانه بیانید پیشید، در خواست یافتت کسه نه تنها انتمجو بلکه هراتسانی که وجدان سالمی داشته باشد نمیتواند آنچه که در ایران میگردد بی اعتنا باشد و آنرا تایید کند ...

باید سونگونی رژیم فاسد و ننگر استعمار در ایران عده‌های از دانشجویان ایرانی

### حزب انقلابی

باید حزب انقلابی داشت. باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و باسک انقلابی مارکسیسم - لنینیسم وجود آمده باشد. باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بتواند حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم را با پراتیک مشخص انقلاب در کشور خود درآورد.

باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بتواند بین رهبری و توده عظیم مردم پیوند محکم برقرار سازد. باید آنچنان حزب انقلابی داشت که بتواند از حقیقت دفاع کرده باصلاح اشتباهات پیروز از و انتقاد و انتقاد از خود دست نزند.

از سنده ۲۵ ماهی پیشنها دی حزب کمونیست چین در باره روشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی

بسیار زمان توفان ... بقیه از ص ۶ تحقیق پذیرد. در دنیای واقعیت افراد یک سازمان ولواتنگ جهان بینی آنها مارکسیستی - لنینیستی باشد میتواند بر مسامیل مبارزه هر چه باشد اهمیت این مسائل و بد تفاوتی داشته باشند و در نتیجه افکار و اندیشه‌ها متضاد در درون سازمان بروز شود. این بدیده به پیچیده غیرعاکا نیست و از آن نباید احترازدست. از روزان نیز نمیتوان جلوگیری کرد. بر اثر همین برخورد افکار است که سازمان میتواند صحیح را از مقیم و درست را از نادرست بازشناسد و در هر کار روشی صحیحی در پیش گیرد. بر اثر این برخورد است که سازمان خودتفکر و پیش می‌آید و قدرت بودت بدیل میشود. بر اثر تفکر درون سازمان است که سازمان رشد و تکامل مییابد. اینها همه مسائلی است که هر کس بخواهد تا چهره بد و ستاننگیا مارکسیسم - لنینیسم آشناسی دارند.

باید گفت که سازمان توفان سازمانی است مارکسیستی - لنینیستی سازمانی است که مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای اندیشه و عمل خود قرار داده است. رفقای که هم‌اکنون در این سازمان فعالیت میکنند باید نظری طبقه کارگر را پذیرفته باشند. هم که باین سازمان میبایستند و از آنجا که آگاهانه باید اول سند سازمان تحت عنوان "وظایف و فوری مارکسیستها - لنینیستهای ایران" را خط مشی نشریه توفان موافقت دارند. باید نظری طبقه کارگر را می پذیرند. البته کار بدینجا خاتمه نمیدید و نباید هم خاتمه پذیرد در جریان مبارزه انقلابی است که سطح آگاهی افراد سازمان بتدریج بالا میرود و از روز آنجا هر هران و کارهای طبقه کارگر میروند می‌آید. سازمان توفان موظف است افراد خود را با روح مارکسیسم - لنینیسم پرورد کند. رفقای سازمانی نیز وظیفه دارند آشنائی خود را با مسائل مارکسیسم - لنینیسم هم در سطح وهم در عمق کشورش دهند تا بران ایجاد جنبش انقلابی مجهز شود و انقلابی باشند. بدون شک سازمان توفان جمعی از "متبحرین" در مارکسیسم - لنینیسم نیست. معدلک این امر مانع آن نمیشود که این سازمان سازمان مارکسیستی - لنینیستی باشد. ما افراد سازمان هرگز نمیکه آن نیستیم که بانتوری مارکسیسم - لنینیسم آشنائی کامل داریم. ولی این را میتوانیم بکنیم که از دل و جان بآن مؤمن و وفاداریم. سازمان توفان بیقین همان سازمانی است که شما مارکسیست - لنینیست هاهمه هواداران طبقه کارگر باید بدان پیوندهند و این سازمان را در راه احیای حزب طبقه کارگر ایران و رهائی خلق ایران یاری رسانند.

عنوان مکاتبات: X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY حساب بانکی: CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO /ITALY

#### روزنامه نشان

روزنامه نشان بانگی بر نیروی خود برپاست. انتشار هر شماره این روزنامه بسیار دشوار است و هر کس که در این روزنامه در ارتباط است باید از هر کس که هر چه کرد که با خود داری و نیز باید تا سفارصحت وضع سازمانها اذیت و آزارها را از طریق ما می‌بینی نیست. مبلغ بونان و امانت خود و سایر بر رفقا و دوستان راسته‌ها بحسب بانگی توفان بریزید و از طریق دیگرمه برسانید. بهای تک شماره توفان در ایران در ریال در زیرک معادل دو ریال و در سایر کشورها معادل دو ریال است. بهای اشتراک سالیا توفان معادل صد ریال است.

### اعلامیه گمونیستهای انقلابی شوروی

این اعلامیه که از طرف کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی به طور منصفی انتشار یافته و از اسناد مهم جنبش کمونیستی جهانی است از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان ترجمه و طبع شده است.

ما خوانندگان خود را به اطلاع می‌رسانیم که این سند پر از روش و عزم می‌کنیم.

- بها: معادل چهل ریال
- نشریات دیگر توفان:
- ۱ - سبک ذهنی در فقر و عمل
- ۲ - آموزش خود را از نوع سازمان
- ۳ - اصول مقداتی فلسفه

بهای هر یک معادل چهل ریال است. نشریات فوقی را از روزنامه توفان بخواهید.

### گسترش و پیروزی انقلاب و ایستاده وجود حزب انقلابی پرولتری است.

از سنده ۲۵ ماهی پیشنها دی حزب کمونیست چین در باره روشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی

### نموداری از سخنان اپورتونیستی

لنین کبر میگفت: اپورتونیست باسانی هر فرمولی را امضا میکند و باسانی هم عقب نشینی مینماید. زیرا اپورتونیست همانا عمارت است از فقدان اصول متین و ثابت.

برای اینکه صدق روشنی از این حکم لنینی بدست داده باشیم در عبارت اینک مقاله که روزی نیست ایرانی را از جمله "مسائل بین‌المللی" (از نشریات روزی نیستهای حزب تودماران) شمار ۱۶ مسال نق می‌کنیم عبارت اول از صفحه ۱۲ و عبارت دوم از صفحه ۱۳:

عبارت اول: "این تغییر مشی سیاسی زمامداران ایران هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوی امری مثبت است. ما این جهت حزب ما بر آن است که با این تغییر مشی سیاسی، علی‌رغم انگیزه‌های ذهنی رژیم و بتحکیم استقلال سیاسی کشور و کسب استقلال اقتصادی کمک می‌کنیم."

عبارت دوم: "این تغییرات ... در چهارچوب حفظ منافع عمده مالکین و انحصارهای امپریالیستی انجام میگردد." از این دو عبارت ارتباطی یکدیگر چنین نتیجه میشود: تغییراتی که در چهارچوب حفظ منافع عمده مالکین و انحصارهای امپریالیستی انجام میگردد هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ محتوی امری مثبت است.

به سازمان توفان

بپیوندیم

بررسی تجاربت گذشته نهضت انقلابی ایران جمع بندی این تجاربت  
و آموختن از گذشته وظایف مارکسیست - لنینیست هاست . بررسی  
حیات و فعالیت حزب توده ایران ، حزبی که زمان بزرگترین حزب  
خاورمیانه بود و در صحنه سیاسی ایران نقش برجسته ای ایفا می نمود ،  
ارزیابی علمی جوانب مثبت و منفی این حزب برای کارآیند انقلاب  
ایران بدون شک آموزنده و لازم است . این بررسی در همین حال  
نمی تواند و نباید به حزب توده ایران محدود و محصور گردد و نیروهای  
انقلابی دیگر ایران را در برنگیرد . اینها همه نکاتی است که در صحنه  
آنها نمیتوان تردید داشت .

معذک گمانی یافت میشوند که آثار هرگونه فعالیت سازمانی را که  
باید هرچیز و هرچیز را در جهت "حیا" حزب طبقه کارگر پیش رود بدون بررسی  
عمیق و تفصیلی تا جوانب گوناگون فعالیت حزب توده ایران ، غیر  
ممکن میمانند . اینها برای عقیده هاند که نسبت به باید بتجزیه  
و تحلیل گذشته پرداخت آن هم آنگونه تجزیه و تحلیلی که همه  
مارکسیست - لنینیست های ایران بر آن وجه گذارند و سپس  
فعالیت سازمانی را آغازین گرفت . اما چه کسی باید بتجزیه و  
تحلیل گذشته بپردازد و تجاربت آنرا جمع بندی کند و چگونه  
مارکسیست - لنینیست های ایران باید بر سر مرتجعان توافقی کنند ؟  
معلوم نیست . عیب تر آنکین دوستان حاضر نیستند و تحقیق امر  
که این اندازه بدان ابراز علاقه میکنند خود پیش قدم گردند . یا  
لااقل کلمی کنند ؟ سچی داشته باشند . این مطالبه ایست که  
پیوسته از دیگران دارند و هر قدر مثبتی را باین بهانه نخطئه می  
کنند و این شیوه تکرار جانب هر کسی باشد بدون نیرو هائیکه  
نمیخواهند حزب طبقه کارگر در ایران احیا گردد ، نیروی و در  
راه انقلاب پیش رود ، این شیوه تکرار درجه اول بود و ریزوینست  
هاست که میخواهند یگانا ز میدان باشند و نشان دهند که مارکسیست  
- لنینیست ها از احیا "حزب طبقه کارگر ایران" سهل است از  
ایجاد هرگونه سازمان ، ناتوانند . اگر مارکسیست - لنینیست ها  
بد نیال این شیوه تفکر بروند نمیتوان یقین داشت که راه جدائی  
نخواهند بردند و تحلیلی از گذشته حزب توده ایران داده خواهد  
شد و نه بغرض وجود چنین تحلیلی مارکسیست - لنینیست ها خوا  
توانست بر سر آن توافقی کامل برسد .

سازمان مایا اشتاد راسخ بتجربه هاند و بی از گذشته کوشیده است در  
زمینه چینه مسئله اساسی تحلیلی کلی بدست دهد و آنرا هر در  
سندی تحت عنوان "وظایف مردم و فوری مارکسیست ها - لنینیست  
های ایران" در معرض افکار عمومی بگذارد و از همه عناصر انقلابی  
بدرآهد که نظریات خود را در مورد آنها ابراز دارند . اگر اشتباهای  
نقص در آن می بینند بتجربه و وظیفه انقلابی خود سازمان تده کرد هاند  
ما اکنون بیک بار دیگر از این دوستان مارکسیست - لنینیست می  
خواهیم که ما را در این وظیفه یکه بر عهد کرده ایم یاری کنند و حتی  
در زمینه تحلیلی مسایل گذشته نهضت کمونیستی ایران نظریات خود  
را در اختیار سازمان ما بگذارند تا سازمان از آن بهره گیری بدیهی  
است ما خود نیز در آیدند و خواهیم کوشیدیم هر بار که امکانی پیش آید و تا  
آنجا که معلومات و تجربه ما را زیاد نماید حد تحلیلی مسایل گذشته  
نهضت پیرا زیم . ولی بنظر ما فعالیت سازمانی را بیهانه اینک  
هنوز تحلیلی از گذشته حرکت در ایوان بعمل نیامده . متوقف گذارند  
کاری است اشتباه آمیز و هیچ روی نمیتوان با آن روی موافق نشان  
داد .

گمانی نیز معتقد اند که باید در همه مسایل و حتی جزئیات آنها با سازمان  
توفان توافقی نظر داشته باشند تا بتوانند باین سازمان بپیوندند و نقدی  
حتی در نشریه توفان نیز گویا نباید بارانی ویانندیشه ای تا چه  
رسد بقالهای بیاید که برخلاف میل و تعزات آن باشد . چیزی که آنها  
خواهان آیدند وحدت و توافق مطلق در آیدند یشه و عملی است ولو  
آنداین اندیشه و عمل در مسایل جزئی و کم اهمیت باشد . چنین  
خواستی البته فتنه راجحی پندار میتواند . بخیه در صفحه ۵

تکیه بر نیروی خود

مارکسیست ها - لنینیست ها بر آنند که در کلبه مراحل مبارزه باید  
بر نیروی خود تکیه کرد ، یعنی بر نیروی پیشاهنگان خلق و همه  
خلق .

اگر درست است که خلق و فقط خلق ، سازنده تاریخ است پس هیچ  
نیروی بالاتر و الا تر از نیروی خلق وجود ندارد ، هیچ تکیه گاهی  
مطئن تر از این تکیه گاه نیست .

انقلاب اکبر و ساختمان معجزه آسای سوسیالیسم در شوروی ( در  
عهد قهرمان پرور لنین و استالین ، نه در روزگار سنگت با خر و شوخی و  
شاکر انش) ، انقلاب پر فراز و نشیب چین و کامیابیهای شکرفشار  
فرهنگی پرولتریائی آن ، حماسه جنگ امپریالیسم شکن وینا ، همه و  
همه کوه عظمت خلق است ، کوه این حقیقت است که دست خلق  
کره کشای همه دشواریا است ، تکیه بر خلق ضامن همه کامیابیهای  
است . اگر سیاست تکیه بر نیروی خود نبود سوسیالیسم و شوروی  
ساخته میشد ، نه انقلاب چین به پیروزی میرسید ، و نه جنگ وینا چه  
این همه افتخار میانجامید .

تکیه بر نیروی خود نه فقط ناشی از تناسل سوسیالیسم پرولتری نیست  
بلکه شرط ضروری آنست ، بهار خود را به شانه دیگران انداختن اقلیتی  
شدن و بایمید دستگیری نشستن ، از تناسل سوسیالیسم پرولتری نیست  
انتزاع سوسیالیست های حقیقی باید در خدمت پرولتریای جهان  
"یا رشاظر باشند نه بار خاطر" .

تکیه بر نیروی خود بآن معنی نیست که خلقها از یاری یکدیگر  
نیازند و به یاری یکدیگر وظیفه ندارند . امروز در جهان هیچ حادثه  
مهمی نیست که در دایره یک کشور بویک منطقه محدود بماند .

هم جبهه خلقها و هم جبهه امپریالیسم دارای جنبه بین المللی است  
اتحاد جهانی خلقها در مبارزه علیه دشمن جهانی آنها است

یعنی امپریالیسم - شرط ضروری پیروزی است . اما اگر هر یک  
از خلقها متکی بر نیروی خود نباشد جبهه نیز نمیتواند متکی بر  
نیروی خود باشد . فقط آنگاه که خلقها در مراحل مختلف مبارزه با  
تمام قوای خویش استفاده کنند میتوانند بیکدیگر یاری لازم برسانند  
و حدود صحیح تکیه بر نیروی خود همانست که رفیق ماژوسه در  
سالها پیش ( ۱۹۴۵ ) در این گفتار تعیین کرده است : " ما بر سر  
آیند که باید بر نیروی خود مان تکیه کنیم ، اما امیدواریم که از خارج  
کک بگیریم ولی نباید وابسته بآن باشیم . ما بر مساعی خود و بر نیروی  
آفریننده ضام ارتز خود و تمام خلق خود متکی هستیم" .

این آموزش بزرگ را سیر انقلاب چین و نهضت انقلابی جهانی تأیید  
کرد . اهمیت آن بویژه آنگاه آشکار شد که ریزوینست ها با غصب فعالیت  
رهبری حزب و دولت شوروی نیروی مادی و معنوی عظیم نخستین  
کشور سوسیالیستی را بشیوه امپریالیست ها وسیله شانتاژ تهدید و  
تضع و اسارت احزاب و دول دیگر ساختند و برای آنکه ایدئولوژی  
و سیاست ضد مارکسیستی - ضد لنینیستی خود را بر جمهوری  
نود های چین و جمهوری دموکراتیک آلبانی تحمیل کنند صدها  
قزار در آنجا بکشاند از هم دیدند ، صدها طرح ساختمان مشترک  
را ناتمام گذاشتند ، و عامده ضربات سنگین بر بنای سوسیالیسم  
در این دو کشور وارد آوردند . این تجربه تاریخی در ناک نشان  
داد که آن دو سوسیالیسم که پرولتریای قهرمان شوروی تحت  
رهبری لنین و استالین برافراخته و تکیه گاه خلقهای جهان ساخته  
بود دیگر در آنجا وجود ندارد . خلقهای جهان باید پیش از  
پیش بر نیروی خود تکیه کنند تا سلاح شانتاژ و تهدید و تضعیف  
را از دست ریزوینست ها بگیرند .

درست در همین لحظه و بهمین مناسبت بود که ریزوینست ها در  
مدح و ستای "کک" های خود کتابها سیاه کرده اند ، بتلقین  
این فرزند مارکسیستی برداختند که گویا هیچ ملتی بدون کک  
آنها بهیچ جا نمیتواند رسید ، با فخر ابر مارکسیست ها - لنینیست ها  
دست زدند که ایان چون بخلق خویش روی آورده و از ریزوینست  
نیست ها روی بر تافتند گویا ناسوسیالیست و مخالفان تناسل سوسیالیسم

این فکر تازه ای نیست . فکری است که پیوسته امپریالیست ها به  
منظور تأمین سیاست خویش و اسارت خلقها تبلیغ کرده اند و اینک  
ریزوینست ها با تکیه بر تناسل سوسیالیسم خود آنها را از سر گرفته اند .  
با و از گروهی ریزوینست های "گرم آمیخته" ( در روزنامه مردم شماره  
مهر ۱۳۴۶ ) فتوا داده اند که " دران شعار تکیه بر نیروی خود  
گاری است راجعاً . زیرا همه بر خلق خود و همه بر زبان ساختن جهانی  
سوسیالیسم است . این شعار ناشی از تناسل سوسیالیسم پرولتری و  
مظهری است از سوسیالیسم پرولتری " .  
ریزوینست های حزب توده ایران در واقع ملت ایران فریاد می  
زنند : تا ریزوینست های شوروی انگشت خود را بنگان ندهند  
هیچ کاری از شما ساخته نیست . شما هیچ آید و آنها همه چیز  
بنیروی خود تکیه نزد بد امن ریزوینست ها در آیدند .  
روزی در روزگار خر و شوخی معما بماند یکی از ملتهای شوروی در حال جاهله  
کوشی بر ریزوینست ها اظهار داشت : " تکیه دست آوردهای ملت  
من در اثر دوستی با ملت روس بدست آمده است . اگر از هر یک  
از احاد ملت من بپرسند که بیشتر از هر چیز بچه مینازد ، خواه هفتک  
بدوستی ملت روس" .  
این گوینده ندانست که اگر چه دوستی ملت انقلابی روس ( و نه  
بورژوازی روسیه تزاری و یا خر و شوخی ) غنیمت بزرگ و مایه سر  
بلندی است ولی این دوستی جزئی تکیه بر نیروی خلقها  
نمیتواند کمترین شره ای بیار آورد . آنچه دست آوردهای ملتی را  
میسازد نیروی خود آن ملت است و بزرگترین مباحثات هر ملت به  
وظیفه ای است که در برابر تاریخ انجام میدهد .  
این گوینده ندانست که با گفتار تعلق آمیز خود چه نوع کم رشکو  
ملت خویش وارد میسازد .  
اینک ریزوینست های حزب توده ایران که زنجیر اسارت و بردگی  
خلق ایران را رنگ آمیزی میکنند نمیدانند که در نظر این خلق  
چه قیافه منفوری دارند .

ما بحث خویش را در این زمینه باین سخن بزرگ ماثم ختم میکنیم  
" شرتهای جامعه را کارگران ، دهقانان ، و روشنفکران زحمتکش  
میآفرینند . اگر آنها سرنویست خویش را بدست گیرند ، اگر از مشو  
مارکسیستی - لنینیستی پیروی کنند و بجای آنکه از کار مسائل رد  
بشوند بحال آنها بپردازند ، همیشه خواهند توانست بر هر مشکلی  
در جهان فائق آیند" .

بهمه رفقای سازمانی و غیر سازمانی

یاد از رفقای سازمانی در پایان نامه ای که درباره " وظائف مردم و فوری  
مارکسیست ها - لنینیست های ایران " نگاشته است چنین مینویسم  
" رفقای سازمانی باید بداند مسرتوش نهضت بینه بشوند ، راهها و راه  
ها تازهای نشان دهند ، بیامش کوشی بپوششها ها آنگاه بنگنند  
و فقط برای حال بلکه برای آینده نیز آنچه بنظرشان میرسد در  
اختیار بکنند" .

این نمونه ای از طرز فکری سوسیالیست ها است ، این ندانی است  
به همه رفقای سازمانی و غیر سازمانی که زندگی خود را بانهضت  
در هم آمیزند در هیچ حالی وظیفه مبارزه را از نظر دورند ، پیوسته و  
جستجوی شرایط نوین و راههای نوین باشند ، هرگز نباید از کله هیچ  
مرکزی میتوانند بدون ابتکار و عمل روزانه توده ها بپسند عده ای ناگ  
آید .

رفقا و دوستان !  
وظیفه خطیر که روزنامه توفان بر عهده دارد تنها از هیئت تحریر  
بیره ساخته نیست . این وظیفه فقط با پشتیبانی همه رفقای سازمانی  
و همه خوانندگان و همکاری موثر آنها انجام یافتنی است . روزنامه  
توفان بنظر رفقایان و منتقدانه بگریید . در مقاله نویسی با لک کید  
انتقادات و پیشنهاد های خود را با ما در میان بگذارید .

" تا زمانی که سلطه امپریالیسم و نوکمران روی در این منطقه ( منطقه توفانی ) به کسک کولوسه  
وسر سیزه برقرار است و تا موقمی که امپریالیسم و نوکمران روی جنبش های انقلابی  
این حلقه را با فخر سرکوب میکنند ، جنبش های آزادی بخش همچنان اجتناب  
ناپذیر ساقی خواهد ماند . کشور ما ایران نیز یکی از کشورهای " منطقه توفان " است " .  
مستحق از طرح " وظایف مردم و فوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران " .

این طرح که بضمیمه شماره ۹ روزنامه توفان منتشر شد در دفتر روزنامه توفان موجود است  
آنرا بر این مطالعه و اظهار نظر و توزیع از روزنامه توفان بخواهید .